

شیوه‌های جبران خسارت از منظر فقه امامیه و حقوق افغانستان

صفحات ۳۳-۴۸

محمد داود حیدری^۱
خادم حسین محمدی^۲

چکیده

تحقیق حاضر در ضمن چند گفتار به جبران خسارت و شیوه‌های آن و نیز چگونگی جبران خسارت در زیان‌های جمعی پرداخته است. شکی نیست که خسارات وارده، چه مادی و چه معنوی باید جبران شده و زیان‌دیده مورد توجه قرار گیرد؛ حتی در خسارت معنوی که برخی جبران آن را مورد شک و تردید قرار داده، خسارت باید جبران گردد. در مورد شیوه‌های جبران خسارت در فقه امامیه و حقوق افغانستان به سه روش جبران عینی و مثلی و پرداخت قیمت توجه شده است. در گام نخست باید زیان وارده عیناً اعاده شده و خسارت زیان‌دیده به وضع سابق برگردانده شود، این شیوه بهترین راه برای جبران خسارت می‌باشد و تا با این شیوه، خسارت قابل جبران باشد، از شیوه‌های دیگر استفاده نخواهد شد. در صورتی که خسارت عینی به هر دلیلی امکان نداشته باشد، جبران خسارت به روش‌های دیگر مثل جبران خسارت با مثل و قیمت مد نظر قرار خواهد گرفت. این جبران خسارت در هر دو نوع خسارت مادی و معنوی مورد نظر است. در خسارت معنوی گرچه هستند کسانی که قائل به عدم جبران هستند اما خسارت معنوی به دلیل اهمیت و جایگاه‌شان نباید غیر قابل جبران باقی بماند. جبران خسارت در خسارت جمعی گرچه به راحتی انجام نمی‌شود اما حقوق‌دانان برای جبران خسارت جمعی شیوه‌های مانند نظریه تساوی، نظریه نسبت تأثیر، نظریه درجه تقصیر و نظریه تضامن را ذکر نموده اند.

واژگان کلیدی

خسارت، شیوه‌های جبران خسارت، حقوق افغانستان، فقه امامیه



مقدمه

یکی از موضوعات مهم و اساسی، که همواره موجب دغدغه و نگرانی برای زیان‌دیده بوده و خواهد بود، مسأله جبران خسارت است. این سوالات همواره برای زیان‌دیده مطرح بوده، که آیا زیان‌ها و خسارات وارده و به خصوص زیان‌های معنوی قابل جبران است یا خیر؟ زیان‌های مادی و معنوی و آسیب‌های روحی و روانی به وجود آمده چگونه قابل جبران است؟ و شیوه‌های جبران خسارت چگونه است؟ این نگرانی‌ها و دغدغه‌های به جا از یک طرف؛ و از طرف دیگر از آن جایی که هدف اصلی و اساسی حقوق خصوصی جبران کامل خسارت بوده و اینکه هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند؛ عوامل مذکور این انگیزه را ایجاد نموده که در این تحقیق به شیوه‌های جبران خسارت تحت عنوان « شیوه‌های جبران خسارت از منظر فقه امامیه و حقوق افغانستان » پرداخته شود.

مقاله حاضر در ضمن چهار گفتار تهیه و تنظیم شده است:

گفتار اول: مفهوم خسارت و انواع آن

گفتار دوم: شیوه‌های جبران خسارت در فقه امامیه

گفتار سوم: شیوه‌های جبران خسارت در حقوق افغانستان

گفتار چهارم: شیوه‌های جبران خسارت جمعی

مطالب فوق به حول و قوه الهی به ترتیب مذکور مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: مفهوم خسارت

در آغاز سخن به مفهوم شناسی پرداخته و به شناخت بیشتر خسارت و انواع آن می‌پردازیم. خسارت در لغت به معنای زیان، ضرر، نقصان و کاستی، از دست دادن، از بین رفتن، گم شدن، گم راه شدن، خلاف نفع و سود است (دهخدا، ج ۲۲، ۱۳۷۷: ۵۲۳؛ احمد، ج ۲، ۱۴۰۴: ۱۸۲؛ ابن منظور، ج ۴، ۱۴۰۸: ۲۳۸).

در عرف نیز به همین معانی استعمال شده، یعنی هر جا که جان، مال، آبرو و متعلقات شخص دچار نوع کاستی شده یا از افزایش و کمال آن جلوگیری شود گفته می‌شود که خسارت وارد گردیده است.

در مواردی خسارت به معنای جبران زیان یا غرامت بکار می‌رود، در این صورت همراه با قرینه می‌باشد، به طور مثال در زبان فارسی این معنا به صورت خسارت گرفتن یا پرداخت یا مطالبه خسارت می‌آید. پس هر گاه این مفهوم از خسارت مورد نظر باشد، عبارت است از جبران مالی که عامل زیان باید به زیان دیده بپردازد.

در عرف و نظر حقوقدانان خسارت به دو مفهوم کاملاً متضاد از یک دیگر بیان می‌گردد:

۱. خسارت به معنای زیان وارده (خسارت دیدن)؛

۲. خسارت به معنای جبران ضرر وارد شده (خسارت دادن). دکتر جعفر لنگرودی در تبیین معنای خسارت گفته خسارت عبارت است از: الف) مالی که باید از طرف کسی که

باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود. ب) زیان وارده را نیز خسارت گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۴۱۵). در مقاله حاضر خسارت به معنای دوم یعنی جبران خسارات وارده و شیوه‌های آن می‌باشد.

انواع خسارت

برخی از حقوقدانان خسارت به معنای ضرر وارده را به دو گروه تقسیم نموده‌اند: ۱. خسارت مادی ۲. خسارت معنوی (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۴۷). مهم‌ترین و مشهورترین تقسیمات خسارت در حقوق همان خسارت مادی و معنوی است.

خسارت مادی در قوانین موضوعه هیچ کشوری تعریف نگردیده است. شاید به دلیل آشکار بودن موضوع و روشن بودن مصادیق آن، قانونگذار از تعریف آن خودداری نموده است. دکتر لنگرودی در تعریف خسارت مادی می‌گوید: خسارت مادی خسارتی است که به بدن شخص یا دارایی او وارد شده باشد. یکی دیگر از حقوقدانان در تعریف خسارت مادی چنین گفته است: خسارت مادی زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان، اموال، یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی و یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص و یا سلامت و حیات به انسان وارد می‌شود. در مقابل خسارت مادی، خسارت معنوی است. حقوقدانان برای خسارت معنوی تعاریف مختلف و در عین حال مشابه هم نموده‌اند: بعضی در تعریف خسارت معنوی گفته است: « خسارت معنوی (مدنی) ضرری است که متوجه حیثیت و شرافت و آبروی شخص یا بستگان او گردد». برخی دیگر در تعریف این نوع خسارت آورده است که: « خسارت معنوی عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی، به تعبیر دیگر خسارت معنوی زیانی است که به حیثیت، آبرو، عواطف و یا احساسات شخصی وارد آمده باشد. تجاوز به حقوق غیر مالی انسان حتی لطمه زدن در احساسات دوستی و خانوادگی و مذهبی و همین‌طور درد و رنجی که در نتیجه حادثه ای عارض شخص می‌شود، امروزه می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد» (صفایی، ۱۳۵۵: ۲۴۰).

قابل جبران بودن خسارت معنوی

یکی از مباحث مهم در ضرر معنوی جبران خسارت در این نوع ضرر است. آیا خسارت معنوی قابل جبران است؟ این پرسشی است که از دیر باز میان صاحب نظران و حقوقدانان مورد بحث و گفتگو و گاه مورد تردید قرار گرفته است. در قدیم حتی در کشورهای غربی، قابلیت جبران ضرر معنوی محل بحث و اختلاف بود. علمای حقوق در این باره اختلاف نظر داشتند. عده‌ای ضرر معنوی را قابل جبران و جمعی آن را غیر قابل جبران دانسته‌اند. هر کدام از آنان برای جبران یا عدم جبران خسارت معنوی دلایلی را برشمرده‌اند.

کسانی که این نوع ضرر را قابل جبران نمی‌دانند، معتقدند که ضرر معنوی قابل جبران نیست به دلیل اینکه خسارت معنوی قابل تقویم به پول نیست، لذا پرداخت غرامت نمی‌تواند ضرر را از بین ببرد. علاوه بر آن از نظر فنی تعیین غرامت به وسیله قاضی در مورد خسارت معنوی، امر فوق العاده دقیق و مشکلی است. و هم نین از نظر اخلاقی،



زننده و نامناسب است افرادی که عواطف و احساساتشان جریحه‌دار شده، برای تبدیل این تألمات به پول، به دادگاه مراجعه کنند (لوراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۷).

هم‌چنین کسانی که ضرر را به «ایجاد نقص در دارایی فعلی شخص» معنا کرده‌اند، لطمه به آبرو و شهرت و رنج‌های روحی را ضرر نمی‌دانند و آنان که مسئولیت مدنی را منحصر در «تلف مال» به صورت اتلاف و تسبیب شمرده‌اند، زیان معنوی را بر فرض که ضرر هم باشد موجب ضمان تلقی نکرده‌اند (شبییری، ۱۳۸۵: ۷۴).

برخی از حقوقدان خسارت معنوی را قابل جبران دانسته و دلایل فوق را قطعی نمی‌دانند و می‌گویند: هدف مسئولیت مدنی زایل کردن ضرر نمی‌باشد بلکه هدف این است که به زیان دیده امکان داده شود که اگر بدست آوردن عین شیء مقدور نیست، لا اقل بتواند معادل آنچه را که مورد خسارت واقع شده به دست آورد و به دین وسیله رضایت خاطرش فراهم گردد. و علاوه بر آن اگر چه پرداخت مبلغی وجه نقد، متداول ترین راه حل عملی جبران خسارت است اما در مورد جبران ضرر معنوی می‌توان راه‌حل‌های مناسب‌تری را پیش‌بینی کرد. مثل اینکه انتشار رأی محکومیت کسی که به شرف و حیثیت دیگری لطمه وارد نموده، ضرر معنوی وارده را به بهترین وجه جبران می‌کند. به هر حال در راستای جبران خسارت معنوی باید گفت: اولاً: اگر ضرری به طور کامل قابل جبران نبود، نباید آن را به طور کلی بدون جبران گذاشت؛ زیرا به قول معروف: «ما لا یدرک کله لا یترک کله». ثانیاً: در بعضی از موارد ممکن است با پرداخت پول خسارت و نقص کاملاً جبران شود، مثلاً: کسی که سلامتی خود را از دست داده با دریافت پول ممکن است به دکتر مراجعه کرده و در صدد معالجه خود برآمده نقص وارده را اصلاح نماید (طاهری، ج ۲، ۱۴۱۸: ۳۵۰). ثالثاً: جبران خسارت به معنای زدودن همه آثار آن نیست؛ زیرا در ضررهای مادی نیز دادن پول همیشه نمی‌تواند آنچه را زیان‌دیده از دست داده است به او بازگرداند. آیا دادن پول نیروی کار کردن را به کسی که پاهایش بریده شده باز می‌گرداند یا پرندۀ زیبایی را که کشته شده زنده می‌کند و یا تابلوی نقاشی پاره شده را دوباره می‌سازد؟ هدف از دادن خسارت این است که وسیله معادلی در اختیار زیان‌دیده قرار گیرد، وسیله‌ای که بتواند او را خوش حال سازد و جایگزین مال از دست رفته شود.

همان‌گونه که با پول در امور مادی می‌توان معادلی برای مال تلف شده پیدا کرد، تأمین خرسندیهای معنوی نیز امکان دارد. البته این خرسندیها قادر نیست اندوه و تأثر عاطفی را به کلی از بین ببرد، ولی همین اندازه که آرام روحی را تسکین دهد کافی است. و به عبارت دیگر، ولی که از این بابت داده می‌شود جبران ننده نیست بلکه خشنودکننده است، لذا دادرس در هر مورد باید تمیز دهد که با چه مبلغی می‌توان برای زیان‌دیده موقعیتی به وجود آورد که اندوه ناشی از حادثۀ زیانبار تا حد معقول از بین برود یا تسکین یابد.

البته بیشتر فقیهان تردید در صدق عنوان ضرر و خسارت بر زیان‌های معنوی را نپذیرفته و معتقدند که از نظر اسلام لطمه به شخصیت و حرمت اشخاص بیش از صدمه‌های مالی و بدنی مورد توجه قرار گرفته و خسارت معنوی را از مصادیق ضرر

به حساب آورده‌اند. میرزای نائینی در تعریف ضرر می‌فرماید: «ضرر عبارت است از هر چیزی که انسان آن را دارد، خواه نفس باشد یا آبرو یا مال یا اعضاء... اگر آبروی انسان مورد هتک و تعرض قرار گیرد می‌گویند متضرر شده است» (نائینی، ج ۳، ۱۴۲۱: ۳۷۸). برخی دیگر از فقها ضرر را این گونه تعریف کرده است: «ضرر مقابل نفع و عبارت است از نقص در نفس یا مال یا عضو یا آبرو» (آخوند خراسانی، ج ۲، ۱۳۶۶: ۲۶۶). فقیه دیگری نیز چنین تعریف کرده: «ضرر عبارت است از، از دست دادن هر یک از مواهب زندگی اعم از جان، مال، حیثیت و هر چیزی دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم» (مکارم شیرازی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۴۹). میرفتاح مراغه‌ای در تحلیل قاعده لا ضرر می‌گوید که این قاعده اختصاص به خسارات مالی و بدنی ندارد بلکه ضررهای معنوی و حیثیتی یا هتک عرض را نیز شامل می‌شود، زیرا این ضررها نیز در عرف ضرر محسوب می‌شود و مشمول قاعده می‌گردد. ایشان در تعریف خسارت معنوی می‌ویسد: «آنچه باعث از بین رفتن احترام و اعتبار شخص و در نتیجه اُفت شخصیتی او در اجتماع می‌شود مانند مورد تعرض قرار دادن همسر شخص یا دیگر محارم او یا پی‌بردن به امور محرمانه و شخصی یا ورود در حریم خانوادگی یا غیبت و تهمت و مورد طعن و تمسخر قراردادن یا بیان و افشاء عیوب و مواردی که شخص تمایل به افشاء آنها ندارد، همگی هتک حرمت و شخصیت بوده، و از مصادیق ضرر است، زیرا این گونه امور باعث تحقیر و کسر شأن اجتماعی می‌گردد و شاهد آن روایت مربوط به داستان سمره است.» (عبد الفتاح حسینی، ج ۱، ۱۴۱۷: ۳۰۹).

تعاریف فوق به گونه‌ای ارائه شده که شامل خسارت و زیان معنوی نیز می‌شود. بنابر این در فقه ضرر معنوی نیز خسارت محسوب شده و زیان رساننده ضرر مورد نظر را باید جبران نماید.

گفتار دوم: شیوه‌های جبران خسارت در فقه امامیه

بعد از این که روشن شد هر نوع ضرر و خسارت وارده، و حتی خسارت معنوی باید جبران شود؛ حال سخن در این است که خسارت وارده چه گونه و با چه شیوه‌ای باید جبران شود. در ادامه می‌پردازیم به شیوه‌های جبران خسارت در فقه و حقوق افغانستان.

راه و روش جبران خسارت باید متناسب با ضرری باشد که به زیان دیده وارد شده است؛ به تعبیر دیگر، باید بین روش جبران و ضرر وارده سنخیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه، روش جبران هر خسارتی، با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود؛ لذا می‌لبد که در این گفتار، روش‌های مختلف جبران خسارت را از منظر فقه امامیه، به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

الف) شیوه‌های جبران خسارت مادی

راه‌های جبران خسارت مادی، به طور کلی عبارت‌اند از: جبران عینی (اعاده وضع سابق) و دادن معادل، که ذیلاً به ترتیب، توضیح داده خواهند شد.



۱. جبران عینی

منظور از جبران عینی یا اعاده وضع سابق، این است که ضرر به نحوی جبران شود که گویی از اصل، زیان وارد نیامده است (امامی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۴۰۹) و چون هدف مسئولیت مدنی، جبران کامل خسارت است، این شیوه بر دیگر راه‌های جبران خسارت ترجیح دارد؛ به بیان دیگر، در این شیوه ضرر کاملاً محو می‌شود. ترمیم عینی طبیعی‌ترین روش جبران خسارت بوده و زیان ناشی از جرم، به حالت قبل از وقوع جرم، اعاده می‌گردد. مثلاً پس گرفتن مال از کلاهبردار و رد کردن آن به مالک اصلی، یا حکم به خلع ید مالکی که با غصب مورد تصرف عدوانی قرار گرفته است دادرس مکلف است تا جایی که امکان دارد ترمیم عینی را مورد حکم قرار دهد. در بعضی از موارد اعاده وضع به حالت سابق غیر ممکن است مثلاً در جرائمی مانند قتل و جرح و کسر حیثیت و اعتبار ترمیم عینی امکان عملی ندارد در این موارد حقوقدانان معتقدند که زیان و خسارت با پول جبران شود بهتر است.

همه فقیهان اسلامی (اعم از شیعه و سنی) جبران به معادل را، تا زمانی که جبران عینی ممکن باشد، جایز ندانسته‌اند (نجفی، ج ۳۷، ۱۳۷۳: ۷۵؛ زحیلی، ج ۶، ۱۴۲۷: ۴۸۰۰). گرچه آنها حکم مزبور را در مورد غصب یادآور شدند، لیکن از آن جای که غصب خصوصیتی ندارد، با تنقیح مناط، می‌توان حکم فوق‌الذکر را به موارد مشابه نیز تسری داد. بنابراین، در صورتی که جبران عینی ممکن باشد، نوبت به پرداخت مثل یا قیمت نخواهد رسید.

۲. جبران به معادل

چنان که اشاره شد، این روش در مواردی می‌تواند استفاده شود که روش جبران عینی ممکن نباشد یا طرفین تراضی به جبران به معادل نموده‌اند. این روش نیز بر حسب مال متعلق ضرر یا مشکلات اجرایی جبران، به دو روش، دادن مثل یا قیمت، تقسیم می‌شود که هر کدام جداگانه بررسی می‌گردد.

۱/۲. جبران به مثل

مال تلف شده، در صورتی که مثل و مانند در بازار داشته باشد، مسئول باید مثل آن را به زیان دیده جهت جبران خسارت تسلیم نماید و زیان دیده نیز حق دارد که از او مطالبه مثل کند. مال مثلی، مالی است که مانند و نظیر آن در بازار فراوان است. تشخیص این که چه مالی مثلی است، با عرف است، مثلاً حبوبات عرفاً مثلی محسوب می‌شود (خمینی، ج ۲، ۱۴۲۰: ۱۵۹). بنابراین، اگر با امتناع از شهادت یا به واسطه شهادت ناحق سه تن گندم تلف شده باشد، شهود موظف اند سه تن گندم از آن نوع را برای جبران خسارت به مشهود علیه تسلیم نمایند.

فقیهان گفته‌اند: راه درجه دوم جبران خسارت، پس از ردّ عین، دادن مثل است و اگر دادن مثل امکان یر نباشد نوبت به شیوه درجه سوم خسارت، یعنی دادن قیمت، می‌رسد. بنابراین، اگر می‌توان مثل مال را تسلیم کرد نوبت به پرداخت قیمت نخواهد رسید؛ زیرا مثل، صفات نوعی مال را دارد (نجفی، ج ۳۷، ۱۳۷۳: ۹۴؛ بجنوردی، ج ۴، ۱۴۲۴: ۵۹) و به مال تلف شده نزدیک تر و هدف مسئولیت مدنی را بیشتر تأمین می‌کند.

۲/۲. جبران به قیمت

چنان که گفته شد، در صورتی که ردّ عین یا دادن مثل ممکن نباشد، نوبت به دادن قیمت می‌رسد. در نتیجه، در موارد تلف مال قیمی یا از مالیت افتادن مثل مال مثلی تلف شده یا نایاب شدن آن و نقصان مال، از روش دادن قیمت جهت جبران خسارت استفاده می‌شود. گرچند مقتضای قواعد آن است که از میان سه روش جبران خسارت تا زمانی که روش قبلی ممکن است از روش بعدی نباید استفاده نمود و در نتیجه، جبران خسارت از طریق دادن قیمت باید در مواردی باشد که روش جبران به عین یا مثل ممکن نیست؛ لیکن در مانحن فیه، آن چه بهتر به نظر می‌رسد، جبران خسارت از طریق دادن قیمت است.

ب) شیوه‌های جبران خسارت معنوی

در فقه امامیه برای جبران ضررهای معنوی، روش شناخته شده‌ای وجود ندارد؛ اما شیوه‌های متداول در حقوق عرفی و موضوعه، در فقه نیز قابل پذیرش به نظر می‌رسد؛ زیرا روش‌های جبران خسارت معنوی امور نسبی و بر آیندی از اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصر هستند و از سکوت و عدم ردع شارع می‌توان رضایت و حکم شرعی را دریافت؛ لذا جهت شناخت شیوه‌های جبران خسارت معنوی، به سراغ قوانین موضوعه ایران که زایده فقه امامیه هستند می‌رویم. در اصل ۱۷۱ قانون اساسی که در آن چنین آمده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». در این ماده به یک مورد خاص از خسارت مادی یا معنوی ناشی از تصمیم دادگاه اشاره شده که با الغاء خصوصیت از آن و توجه به این نکته که مفاد این اصل یکی از مصادیق قاعده کلی جبران خسارت یا لاضرر می‌باشد، می‌توان چنین گفت که از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به عنوان مادر سایر قوانین شناخته می‌شود، هر نوع خسارت مالی یا معنوی باید به نحوی مناسب جبران شود؛ یعنی باید به گونه عمل شود که عرفاً مفهوم جبران صدق نماید. و هم چنین در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران چنین آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگری از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید» این ماده به امکان جبران خسارت معنوی از راه‌های مادی و معنوی تصریح کرده است. بنابراین، آن چه از اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران قابل استنباط است، این است که ضرر معنوی از دو راه قابل جبران می‌باشد که هر یک از این دو راه جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.



۱. جبران مالی

ممکن است خسارت معنوی که در اثر فعل زیان بار ایجاد شده، هزینه‌های مالی به دنبال داشته باشد، مثلاً شهودی علیه شخصی شهادت می‌دهند مبنی بر این که او مرتکب زنا شده است، قاضی به استناد شهادت آنها حکم به زانی بودن وی می‌کند، سپس شاهدان از شهادت بر می‌گردند و در نتیجه، مشهود علیه در اثر این شهادت ناحق دچار افسردگی شدید می‌شود و پزشکان جهت درمان آن، سفرهای تفریحی را برای او ضروری می‌دانند. در این فرض، گرچند شهادت ناحق موجب ضرر معنوی شده است، لیکن این ضرر معنوی، چون خسارت مالی را در پی داشته، شهود مکلف است که خسارت وارده را جبران نمایند.

۲. جبران غیر مالی

ممکن است ضرر معنوی ناشی از فعل زیان بار، خسارت مالی در پی نداشته باشد، مثلاً در مثال فوق الذکر افسردگی ناشی از شهادت ناحق در حدی نیست که مشهود علیه برای درمان آن، نیاز به سفرهای تفریحی داشته باشد. در این گونه موارد، باید از روش معنوی برای جبران خسارت استفاده نمود و دادن مال به عنوان جبران خسارت عرفاً صدق جبران نمی‌آید، پس شهود ملزم هستند که با عذر خواهی یا اعاده حیثیت مشهود علیه از طریق مناسب مانند شفاهی یا حضوری یا درج و انتشار آن در جراید و روزنامه‌ها، چنین ضرری را جبران نمایند و عذر خواهی از مشهود علیه عرفاً جبران ضرر محسوب می‌شود. بنابر این در خصوص زیان و ضرر معنوی، علاوه بر جبران مادی یعنی مبلغ پول به زیان دیده، قانون گذار راه دیگری را هم برای جبران خسارت معنوی مورد توجه قرار داده، که از آن جمله می‌توان به الزام مرتکب به ارائه مراتب اعتذار خود و یا درج حکم در مطبوعات اشاره کرد. در نتیجه، ضرر معنوی به دلیل لزوم سنخیت عرفی بین ضرر وارده و روش جبران آن، باید از طریق معنوی جبران شود، ولی اگر ضرر معنوی، هزینه‌های مالی یا خسارتی را برای زیان دیده به بار آورد، باید این خسارت از طریق مادی جبران شود.

ج) شیوه جبران خسارت بدنی

ضرر مادی شامل ضرر مالی و بدنی هردو می‌شود. شیوه جبران خسارت مالی تا کنون مورد بحث قرار گرفت؛ اینک در ادامه به شیوه جبران ضرر و خسارت جانی و جسمی پرداخته خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین اقسام ضرر، ضرر بدنی و جسمی است که به صورت گسترده در جامعه شاهد آن هستیم. ضرر جسمانی و بدنی ضرری است که لطمه به جسم انسان وارد گردیده و باعث فوت، جرح، نقص عضو و بیماری شود. آسیب‌های جسمانی، زیان‌دیده را دچار ضرر مادی و یا معنوی می‌کند. به همین دلیل بعضی نویسندگان ضرر را به مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند؛ اما طرح ضرر جسمانی به صورت مستقل بهتر و مناسب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا این نوع ضرر قواعد خاصی به خود را دارد و می‌تواند جداگانه مورد بحث قرار گیرد. در فقه اسلامی، از ایراد ضررهای جسمانی تحت عنوان «جنایت» یاد شده است. باب

جنایت یکی از ابواب کتاب‌های فقهی را تشکیل داده است که فقهاء احکام آنرا به تفصیل بیان کرده‌اند. ضرر جسمانی ممکن است، جزئی باشد، تنها باعث جراحت، عیب و یا نقص عضوی از اعضای بدن او شود. این نوع آسیب جسمانی «جنایت بر عضو» نامیده می‌شود. در صورتی که به سلامت و تمامیت جسمی شخص صدمه‌ی وارد شده باشد، باید به زیان‌های مادی از قبیل هزینه‌های پزشکی، جراحی، دارویی و عدم النفع ناشی از کم شدن یا سلب قدرت کارکردن و هم‌چنین به زیان‌های معنوی مانند درد جسمی، رنج روحی به علت معلولیت یا تغییر شکل اعضا، محرومیت از لذت‌های زندگی مانند از دست دادن حس چشایی یا لذت جنسی مورد توجه قرار گرفته و اقدام به جبران خسارت شود. شخص متضرر می‌تواند مبلغی بابت خسارت ناشی از کم شدن یا سلب قدرت کار کردن نیز دریافت نماید. اما خانواده که تأمین هزینه آنها به عهده زیان‌دیده است، نمی‌تواند از این بابت مطالبه خسارت نماید، زیرا این ضرر، ضرر غیر مستقیم به شمار می‌آید (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

گاه آسیب جسمانی به اندازه شدید است که باعث مرگ مجنی علیه می‌گردد که به آن «جنایت بر نفس» گفته شده است. در فقه اسلامی برای مواردی که جنایت موجب قصاص نیست، دیه تعیین می‌گردد، که شخص جانی به مجنی علیه یا اولیاء دم پرداخت می‌نماید. در رابطه با ماهیت دیه نظریه‌های گوناگونی مطرح شده، برخی گفته‌اند که دیه یک نوع مجازات مالی است. عده‌ای معتقدند که دیه ماهیت مختلط بین مجازات و خسارت دارد. اما آن چه از قصد شارع از وضع دیه ظاهر می‌گردد، خسارت بودن دیه است، نه مجازات بودن آن؛ زیرا هدف شارع از وضع دیه، چیزی جز حمایت از مصدوم نیست. در نتیجه، قصد اولیه شارع از جعل دیه، حمایت و احقاق حق مصدوم است و این چیزی است که در عرف از آن به خسارت تعبیر می‌شود؛ چون خسارت جسمانی عیناً قابل جبران نیست، شارع عوض خسارت را بر صدمه زننده لازم کرده است. بنابراین، سایر موارد؛ از قبیل عبرت صدمه زننده و دیگران، از آثار تبعی و ضمنی فلسفه وضع دیه است، همان گونه که در ضمان مالی نیز این اثر ضمنی موجود است. علاوه بر این، حکم شارع به پرداخت دیه توسط عاقله، در موارد جنایات خطایی، ماهیت خسارتی آن را تأیید می‌کند؛ زیرا اگر دیه مجازات بود، خلاف مسلمات فقه اسلامی است که بر دیگری تحمیل شود و عادلانه نیست که مجازات مجرم بر عاقله او تحمیل گردد (مرعشی شوشتری، ج ۱، ۱۴۲۷: ۱۸۹؛ سراج، ۱۴۱۴: ۱۵۲).

پس از روشن شدن ماهیت دیه و این که آن، ماهیت خسارتی دارد، روش جبران خسارت بدنی نیز روشن خواهد بود؛ یعنی در حقوق اسلام در باب زیان‌های وارده به جسم انسان، مبلغی به عنوان دیه در نظر گرفته شده است که زیان رساننده باید آن را به مصدوم (و در صورت فوت، ولی دم او) پرداخت نماید؛ به بیان دیگر، از آن جای که در اغلب موارد خسارت جسمانی، جبران خسارت عینی، به طوری که مصدوم به وضعیت قبل از آسیب برگردد، وجود ندارد، جبران خسارت بدنی به روش دادن دیه خواهد بود. دیه در معنای دقیق خود، نه مثل به حساب می‌آید و نه قیمت، بلکه آن، عبارت است از: عوض خسارت

جسمانی که بر شخص مصدوم وارد آمده است (سراج، همان؛ نجفی، ج ۴۳، ۱۳۷۳: ۳).

گفتار سوم: شیوه‌های جبران خسارت در حقوق افغانستان

در حقوق افغانستان نیز، به مقتضای گوناگون بودن خسارات، راه‌های جبران آنها نیز متفاوت خواهد بود. در این گفتار، راه‌های مزبور را از منظر این نظام حقوقی مورد کاوش و مطالعه قرار می‌دهیم.

الف) شیوه جبران خسارت مادی

در حقوق کشور ما نیز خسارت مادی با دو روش جبران عینی و جبران معادلی قابل پرداخت است. جبران عینی در بند ۱ ماده ۷۶۵ قانون مدنی افغانستان، پیش بینی شده است. در بند مزبور آمده: «غاصب به رد آن چه غصب نموده مکلف می‌باشد». بر اساس این بند، تا زمانی که جبران عینی (رد عین مغصوبه) ممکن باشد، نوبت به جبران به معادل نخواهد رسید. جبران به معادل از ماده ۷۶۱ قانون مدنی: «در صورت اتلاف کلی، ضمان مال طور کامل و در صورت اتلاف جزئی، ضمان نقصانی که بر قیمت مال عاید گردیده است، بر ذمه تلف کننده لازم می‌گردد» و نیز از ماده ۷۶۶: «در صورتی که مال مغصوبه از طرف غاصب استهلاک گردد و یا کل یا بعضی آن نزد وی هلاک شود و یا به سبب تعدی یا بدون تعدی وی تلف گردد، به ضمان مال مغصوبه مکلف دانسته می‌شود». قابل استنباط است. به موجب این دو ماده، در صورت عدم امکان جبران عینی، نوبت به جبران به معادل؛ یعنی جبران به مثل یا قیمت می‌رسد.

در حقوق افغانستان سخن از دادن مثل و یا قیمت به عنوان قاعده کلی به میان نیامده، بلکه آن چه مورد حکم مقنن قرار گرفته، ضمان و جبران خسارت است که اعم از مثل یا قیمت بوده و تعیین هر کدام از آن دو در اختیار محکمه است. بنابراین، بین جبران عینی و معادلی رابطه طولی بر قرار است، ولی در جبران معادلی، بین جبران مثلی و قیمی چنین رابطه وجود نداشته و انتخاب هر یک در اختیار دادگاه خواهد بود، بر خلاف فقه امامیه، که در آن، بین جبران عینی، مثلی و قیمی، رابطه طولی بر قرار است.

اگرچه در حقوق کشور ما، راه‌های جبران خسارت، در باب غصب مطرح شده‌اند، ولی با استناد به قیاس، که مبنای فقه حنفی بوده و حقوق افغانستان نیز مبتنی بر فقه حنفی است و با الغاء خصوصیت و تنقیح مناط، می‌توان آنها را در سایر ابواب مسئولیت مدنی تطبیق نمود.

ب) شیوه جبران خسارت معنوی

چنانچه که گفته شد، در حقوق افغانستان نیز، همانند فقه امامیه، خسارت معنوی قابل جبران است؛ اما در عین حال متون قانونی نسبت به شیوه جبران آن واضح و روشن نیست. ماده ۷۷۸ قانون مدنی چنین آورده است: «۱) جبران خساره شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌باشد. ۲) اگر به سبب وفات شخصی که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه می‌تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به



جبران خساره حکم نماید. ۳) جبران ناشی از ضرر معنوی، به غیر انتقال نمی کند، مگر این که مقدار آن به اساس موافقه طرفین و یا حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد». ماده ۷۸۰ می نویسد: «هرگاه امکانات تعیین دقیق مقدار جبران خساره نزد محکمه میسر نباشد، می تواند حق مطالبه تجدید نظر را در مورد تعیین مقدار جبران خساره، در خلال مدت معقول برای متضرر حفظ نماید».

ماده ۷۸۱ مقرر می دارد: «طریقه جبران خساره با رعایت احوال از طرف محکمه تعیین می گردد، جبران خساره به صورت اقساط یا عواید مرتب پرداخته شده می تواند، که در این صورت مکلف ساختن مدیون به دادن تأمینات جواز دارد». از مجموع مواد مذکور می توان به این نتیجه دست یافت که قانون گذار، به جبران مالی خسارت معنوی نظر دارد؛ زیرا عباراتی از قبیل «مگر این که مقدار آن به اساس موافقه طرفین و یا حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد» در بند ۳ ماده ۷۷۸ و «تعیین دقیق مقدار جبران خساره» و «تعیین مقدار جبران خساره» در ماده ۷۸۰ و «جبران خساره با رعایت احوال از طرف محکمه تعیین می گردد، جبران خساره به صورت اقساط یا عواید مرتب پرداخته شده می تواند» در ماده ۷۸۱، تنها با جبران مالی خسارت سازگار است. نظر به عام بودن مواد مذکور تصور این که آنها اختصاص به خسارات مادی داشته باشد، نیز بعید به نظر می رسد.

علاوه بر مواد فوق الذکر، از ذیل ماده ۶۲ قانون تجارت نیز این نتیجه قابل استنباط است. ماده مزبور مقرر می دارد: «یک نماینده اطلاعاتی تجارتی که قصداً و یا در نتیجه یک غفلت سنگینی درباره اخلاق یا اقتدار مالی یک تاجر معلومات خلاف حقیقت بدهد مسئول جبران خساره مادی و معنوی است که ازین رهگذر به تاجر مذکور عاید شود اظهار نماینده مذکور در تصیح آن معلومات مستلزم برائت او شده نمی تواند محکمه می تواند در عین زمان با فیصله ای که در باره جبران خساره می نماید امر کند که مسئله مذکور به مصارف خود نماینده به یک جریده یا جراید متعدد نشر هم شود». در ذیل این ماده قانون گذار می نویسد: «محکمه می تواند در عین زمان با فیصله ای که در باره جبران خساره می نماید امر کند که مسئله مذکور به مصارف خود نماینده به یک جریده یا جراید متعدد نشر هم شود»؛ از تقابل آن با عبارت «نشر حکم در جراید» که یک جبران غیر مالی ضرر است، فهمیده می شود که مراد مقنن از جبران خساره، جبران مالی خسارت است، نه جبران غیر مالی؛ مگر این که بگوییم هدف قانون گذار از نشر حکم در جریده، جبران خسارت معنوی است و مقصود از «فیصله در باره جبران خسارت» فیصله در باره جبران ضررهای مادی می باشد؛ اما در پاسخ باید گفت: چون قانون گذار در ابتدای ماده مذکور جبران ضرر مادی و معنوی را لازم شمرده و در ذیل این ماده، نشر حکم در جریده را یک امر اختیاری عنوان کرده است، ادعای این که «فیصله در باره جبران خسارت» مربوط به ضررهای مادی و نشر حکم در جریده جبران کننده ضرر معنوی می باشد، منجر به عدم ضرورت خسارت های معنوی می گردد که بر خلاف مقصود قانون گذار خواهد بود.

به هر حال، از مجموع مواد فوق الذکر به این نتیجه می رسیم که در حقوق افغانستان نیز خسارت معنوی با دو شیوه مالی و غیر مالی قابل جبران می باشد.



ج) شیوه جبران خسارت بدنی

در حقوق افغانستان نیز، همانند فقه امامیه، جبران خسارت بدنی، به روش پرداخت دیه می‌اشد (زحیلی، ج ۸، ۱۴۲۷: ۱۹۲؛ مستنبط از ماده ۷۷۴ قانون مدنی). اما در مورد پیامدهای مالی خسارت بدنی، باید گفت: در حقوق کشور ما، همه آن‌ها، اعم از هزینه‌های مازاد بر دیه که از ماده ۷۵۸ قانون مدنی استنباط می‌شود و ماده مزبور مقرر می‌دارد: «شخصی که مال غیر را تلف نماید، به ضمان ضرر ناشی از آن مکلف می‌باشد». بر مبنای این ماده، هزینه‌های مازاد بر دیه، مصداق اتلاف مال غیر بوده و قابل جبران خواهد بود و هم چنین خسارت ناشی از فوت نیروی کار (بند ۱ ماده ۲۹۳ و بند ۱ ماده ۴۰۸ قانون جزایی) و خسارت بستگان مصدوم (۷۷۵ قانون مدنی) قابل مطالبه می‌باشد، بر خلاف فقه امامیه که تنها هزینه‌های مازاد بر دیه را قابل جبران می‌داند.

گفتار چهارم: شیوه جبران خسارت جمعی

در صورتی که خسارت از ناحیه اشخاص معین به وجود آمده باشد، وارد کننده خسارت ملزم به جبران آن است در چنین موردی به دلیل مشخص بودن زیان رساننده روش جبران آن آسان است. اما در صورتی که جمعی یا گروهی باعث ایجاد خسارت شده باشند، چه گونه ضرر و زیان قابل جبران است؟ فقها و صاحب نظران شیوه‌ها و روشهایی را مطرح نموده و عامل ایجاد خسارت را معین کرده‌اند.

در مواردی که چند نفر در ایجاد خسارت نقش داشته باشند، در صورتی که برخی مقصر و برخی غیر مقصر باشند، عرف خسارت را به کسی نسبت می‌دهد که مقصر بوده است؛ همانطوری که قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۳۳۵ در مورد تصادم وسایل نقلیه خسارت را به فرد مقصر نسبت داده است. اما اگر همه اسباب و عوامل، مؤثر در ایراد ضرر و مقصر باشند تشخیص سبب و احراز رابطه سببیت دشوار است.

هرگاه چند نفر در ارتکاب عمل زیانبار باهم همکاری نموده و در انجام عملیات اجرایی با هم مشارکت کنند، این افراد در صورتی که در انجام عملیات اجرایی باهم مشارکت و همکاری کنند و نتیجه هم مستند به عمل هر دو باشد شریکند. مثلاً هر گاه چند نفر به کمک یکدیگر سنگی را از دامنه کوهی بغلطانند و سنگ به اتومبیلی که از جاده می‌گذشته آسیب برساند و راننده را مجروح گردانند. در این فرض همه در حرکت دادن سنگ سهم داشتند اما مقدار دقیق فعالیت آنها مشخص نیست. فقها و حقوقدانان نظریات و دیدگاه‌های را مطرح کرده‌اند:

۱. نظریه تساوی

بسیاری از فقها در جایی که چند نفر سبب واحدی را ایجاد کنند به صراحت به تساوی مسئولیت حکم نموده‌اند، هر چند میزان قوت اسباب متفاوت باشد.

امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «لو اشترک اثنان أو أكثر فی وضع حجر مثلاً فالضمان علی الجميع، و الظاهر أنه بالسویه و ان اختلف قواهم؛ هرگاه دو نفر یا بیشتر مثلاً در قراردادن سنگی اشتراک پیدا کنند ضمان بر تمام آنها است و ظاهر این است که

ضمان بین آنها به تساویست اگر چه قوای آنها مختلف باشد» (خمینی، ج ۲، ۱۴۲۰: ۵۱۳). مرحوم آیت الله العظمی خویی می‌فرماید: «اگر عده‌ای باهم کاری انجام دهند که منجر به قتل یکی از آنها به صورت خطا گردد مثلاً موقع فروریختن دیوار توسط چند نفر یکی از آنها زیر آوار رفته و کشته می‌شود، در این جا دیه بر همه خراب‌کنندگان از جمله مقتول توزیع شده و هر کس باید مقدار دیه مربوط به خود را به اولیاء دم بدهد، بدون اینکه به میزان نقش و توان آنها در ایجاد حادثه توجه شود» (خویی، ج ۲، ۱۹۷۵: ۲۵۵). قانون مدنی افغانستان نیز در ماده ۷۸۹ اشاره به تساوی در جبران خسارت نمود است: «هرگاه مسئولین فعل مضر، متعدد باشند، در جبران خساره مسئولیت مساوی دارند». به نظر برخی از محققین تساوی در مسئولیت در حقوق ایران پذیرفته شده است: «در حقوق ایران با توجه به قوانین مختلف می‌توان گفت قاعده عمومی، تقسیم مسئولیت به طور مساوی است و به دیگر سخن معیار تساوی به عنوان قاعده عمومی پذیرفته شده است» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

۲. نظریه نسبت تأثیر

منظور از این نظریه، این است که مسئولیت به «نسبت تأثیر» هر یک از اسباب در زیان بین اسباب متعدد تقسیم می‌گردد. ماده ۵۲۰ و ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰، اشاره به مسئولیت با توجه به نسبت تأثیر اسباب دارد. ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی نیز این نظریه را پذیرفته است.

۳. نظریه درجه تقصیر

این نظریه درجه تقصیر را ملاک برای مسئولیت قرارداده و هریک از اسباب که تقصیر بیشتری داشته اند باید خسارت بیشتری بدهند. در قوانین ایران ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ تقسیم مسئولیت را بر اساس درجه تقصیر پذیرفته است. برخی این نظریه را بهتر دانسته است و علاوه بر آن در نظریات مشورتی «اداره حقوقی قوه قضائیه» در امور کیفری این نظریه مورد تأیید قرار گرفته است (تقی زاده و هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

۴. نظریه تضامن

برخی از حقوقدانان در صورت تداخل اسباب، قائل به مسئولیت تضامنی شده و این مسئولیت را ترجیح داده‌اند. بر اساس این دیدگاه زیان دیده می‌تواند برای جبران خسارت به هر یک از مسئولان مراجعه داشته باشد. این راه حل با منطق حقوقی سازگارتر است، زیرا در این فرض قاضی و دستگاه قضایی هر دو موجب ورود خسارت شده‌اند و عمل هریک زمینه را برای تأثیر کار دیگری فراهم آورده است. در چنین مواردی مسئولیت را نمی‌توان تجزیه کرد و هیچ یک از آن دو نمی‌تواند ادعا کند که فقط بخشی از ضرر از ناحیه عمل او وارد شده است (صالحی‌مازندرانی، ۱۳۹۱: ۴۳۰).

در مواردی که زبانی به اشتراک انجام شده به مسئولیت تضامنی اشاره شده است. مثلاً در زیان‌های ناشی از غصب به مسئولیت تضامنی اشاره شده و ایادی غاصبه

مسئولند و هم‌چنین ماده ۱۴ ق.م.م. ایران در این باره می‌گوید: «... هر گاه چند نفر مجتمعا زیانی وارد آورند متضامنا مسئول خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.» این قاعده در ماده ۳۶۵ ق.م.ا. نیز تکرار شده است: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور مساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود.»

در حقوق ایران برخی معتقدند که مسئولیت مسئولان متعدد «تضامنی» است؛ چون خواندگان متعدد باهم خسارت را ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان چنین مسئولیتی را تجزیه کرد. برخی از حقوقدانان در خصوص ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی بر این باور است که: «می‌توان از ماده ۱۴ کمک خواست و استنباط نمود که تمامی اشخاص که مجتمعا به وسیله فعالیت مستقیم خود مرتکب خسارت شده‌اند، متضامنا مسئول جبران در مقابل متضرر باشند» (امامی، ج ۲، ۱۳۷۷: ۴۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف مهم مسئولیت مدنی جبران کامل خسارت است. هر نوع خسارت وارده مادی، معنوی و بدنی نباید بدون جبران بماند. در مورد خسارت معنوی، علی‌رغم شک و تردیدی که برای جبران آن شده است، از نظر حقوقدانان قابل جبران است. به هر حال با توجه به این که هر نوع خسارتی باید جبران شود، سخن در مورد چگونگی و شیوه جبران خسارت مطرح خواهد شد. شیوه جبران خسارت مادی در گام نخست باید عینی و اعاده وضع سابق باشد، اما در صورت عدم امکان جبران عینی خسارت به صورت معادل داده می‌شود. دادن معادل با دادن مثل در مال مثلی یا پرداخت قیمت است، این شیوه پرداخت در فقه امامیه و نیز در حقوق افغانستان مورد تأکید قرار گرفته است.

شیوه جبران خسارت در زیان معنوی نیز به دو صورت مالی و غیر مالی تحقق پیدا می‌کند. مال و پول گرچه نمی‌تواند تمام زیان و خسارت زیان‌دیده را جبران کند، اما می‌تواند بخشی از زیان و خسارت را جبران نموده و برای زیان دیده خوشنود کننده باشد. جبران غیر مالی در خسارت معنوی با عذرخواهی و اعاده حیثیت و شرافت انجام می‌شود. جبران خسارت در خسارت جمعی، گرچه به دلیل روشن نبودن عامل آن، به راحتی و آسانی انجام نمی‌شود؛ اما فقیهان و حقوقدانان برای جبران خسارت جمعی شیوه‌های مانند نظریه تساوی، نظریه نسبت تأثیر، نظریه درجه تقصیر و نظریه تضامن را ذکر نموده‌اند.



فهرست منابع

۱. ابن منظور، **لسان العرب**، ج ۴، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ؛
۲. احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، ج ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴هـ؛
۳. امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، ج ۱، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷؛
۴. بجنوردی، سید حسن، **القواعد الفقهیه**، ج ۴، چاپ اول، دلیل ما، قم، ۱۴۲۴هـ. ق؛
۵. تقی زاده، ابراهیم، هاشمی، احمد علی، **مسئولیت مدنی (ضمن قهری)**، چاپ اول، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱؛
۶. جعفری لنگرودی، محمد، **ترمولوژی حقوق**، چاپ ششم، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۶۸؛
۷. خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، ج ۲، چاپ هشتم، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۰هـ. ق؛
۸. خوئی، سید ابوالقاسم، **مبانی تکملة المنهاج**، ج ۲، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۹۷۵م؛
۹. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، ج ۲۲، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷؛
۱۰. الزحیلی، وهبة، **الفقه الاسلامی و أدلته**، ج ۶، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۷هـ - ۲۰۰۶م؛
۱۱. شهید ثانی، **شرح اللمعه**، ج ۱۰، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی؛
۱۲. صالحی مازندرانی، محمد، **بررسی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات قضایی با نگاهی به برخی نظام‌های حقوقی**، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱؛
۱۳. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱؛
۱۴. صفایی، دکتر سید حسین، **مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی**، انتشارات مرکز تحقیقات سال ۱۳۵۵؛
۱۵. طاهری، حبیب الله، **حقوق مدنی (طاهری)**، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۸ هـ. ق؛
۱۶. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**؛
۱۷. **قانون تجارت جمهوری اسلامی افغانستان**؛
۱۸. **قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران**؛
۱۹. **قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان**؛
۲۰. **قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران**؛
۲۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، **ضمن قهری و مسئولیت مدنی**، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش؛
۲۲. لوررآسا، میشل، **مسئولیت مدنی**، ترجمه محمد اشتری، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵؛
۲۳. محقق میرزا محمد حسین نائینی، **(تقریر شیخ موسی نجفی خوانساری) منیة الطالب**، ج ۳، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱هـ؛
۲۴. محمد احمد سراج، **ضمن العدوان فی فقه الاسلامی**، چ اول، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق؛
۲۵. محمد کاظم، آخوند خراسانی، **کفایة الاصول**، چ ششم، ج ۲، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۶۶؛
۲۶. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، **دیدگاه‌های نو در حقوق**، ج ۱، چ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۴۲۷ ق؛
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقهیه**، ج ۱، قم، دارالعلم، ۱۳۸۲؛
۲۸. میر عبد الفتاح، حسینی، **العناوین**، ج ۱، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ هـ. ق، قم؛
۲۹. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، ج ۳۷، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۳؛
۳۰. وحدتی شبیری، سید حسن، **مبانی مسئولیت مدنی قراردادی**، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۳۸۵؛